

## بررسی مینی مالیسیم و مؤلفه‌های آن در تذکره الاولیاء عطار نیشابوری

دکتر حسین آریان<sup>۱</sup>، فریبا همتی<sup>۲</sup>، دکتر زکیه رشیدآبادی<sup>۳</sup>



تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۲۷

### چکیده

مینی مالیسیم یا کمینه‌گرایی گونه‌ای نو در داستان است که بر حذف عناصر غیر ضروری و ایجاز بیش از حد تأکید دارد و همین عامل، سبب سادگی و دوری از پیچیدگی در داستان‌ها می‌شود. اگرچه این‌گونه در ادب غرب پدیده‌ای نوظهور است، ولی نمونه‌های آن در آثار کهن ایرانی به وفور یافت می‌شود. تذکره الاولیاء عطار نیشابوری شاعر قرن هفتم هجری از این دسته از آثار است. بر همین مبنا نگارنده پژوهش حاضر بر آن است با بررسی مینی مالیسیم در اثر یاد شده، میزان مؤلفه‌های آن را تحلیل نمایند. برای رسیدن به این منظور، پس از بررسی کتاب تذکره الاولیاء و استخراج حکایات و داستان‌های کوتاه مینی مالیستی، ویژگی‌های مختلف آن بررسی و تحلیل شد. این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیف و تحلیل انجام گرفته، این نتایج را در برداشته که حکایت‌های کوتاه تذکره الاولیاء با توجه به برخورداری از حجم کم، سادگی زبان، پیرنگ ساده، گفتگو، شخصیت‌های محدود و محدودیت صحنه‌پردازی در زمره داستان‌های مینی مالیستی قرار می‌گیرد و عطار در این زمینه بسیار موفق و الگویی برای دیگر نویسندگان بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** مینی مالیسیم، عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، مؤلفه‌های مینی مالیسیم.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

arian.amir20@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسئول.

Faribahemati60@gmail.com

۳. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد، ایران.

## ۱- پیشگفتار

عطار نیشابوری نویسنده، شاعر و عارف بزرگ قرن ششم است. او در اغلب آثار خود از داستان و حکایات جهت انتقال مفاهیم ارزشمند خود بهره گرفته که تذکره‌الاولیاء از این دسته از آثار و مبتنی بر نقل‌ها و حکایات کوتاه بسیاری است. این داستان‌ها از حجم بسیار اندک، ایجاز و زبان ساده برخوردارند. همچنین در اغلب حکایات شخصیت‌ها بسیار اندک و گاه تنها به دو شخصیت محدود می‌شوند که این موارد، از ویژگی‌های سبک مینی‌مال است. بنابراین هدف از این پژوهش ارائه تصویری روشن از داستان‌های مینی‌مالیستی و مؤلفه‌های آن در تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- مؤلفه‌های مینی‌مالیسم در حکایات تذکره‌الاولیاء کدامند؟

- کدام یک از مؤلفه‌های مینی‌مالیسم در تذکره‌الاولیاء پررنگ‌تر است؟

فرض نگارنده بر این است که کم‌حجمی و ایجاز، پیرنگ ساده، گفتگو، شخصیت‌های محدود، سادگی زبان، و محدودیت صحنه‌پردازی از مهم‌ترین و پرکاربردترین مؤلفه‌های داستان‌های مینی‌مالیستی در تذکره‌الاولیاء به‌شمار می‌رود.

## ۲- پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را می‌توان در دو دسته بررسی نمود:

دسته اول پژوهش‌هایی که در زمینه مینی‌مالیسم صورت گرفته است، مانند:

«مینی‌مالیسم در فیه مافیه»، ۱۳۹۰، به قلم حمیدی؛ «مینی‌مالیسم و ادب پارسی»، ۱۳۸۵،

نوشته سید احمد پارسا؛ «ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی»، ۱۳۷۸، نگارش جواد جزینی؛ «بررسی حکایات خلد برین از دیدگاه مینی‌مالیسم»، ۱۳۹۳، کاری از خانجانی؛ «کمینه‌گرایی در داستان نویسی معاصر»، ۱۳۸۸، به قلم احمد رضی و سهیلا روستا؛ «داستان کوتاه مینی‌مالیستی»، ۱۳۸۸، نگارش زینب صابرپور و مقاله «مولانا و مینی‌مالیسم»، ۱۳۸۸، نوشته رامین صادقی نژاد.

دسته دوم تحقیقاتی که درباره «تذکره‌الاولیاء» صورت گرفته است که تعداد آن بسیار است، از جمله مقالات: زارعی و شهناز، ۱۳۹۳، «شکل‌شناسی حکایت‌های تذکره‌الاولیاء عطار»؛ محمدرضا اکرمی، ۱۳۹۰، «درون مایه حکایت‌های تذکره‌الاولیاء»؛ سیده مریم روضاییان و سیدعلی اصغر میرباقری فرد، ۱۳۸۶، «سیمای زن در تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری»؛ محمدرضا حاج آقابابایی، و امیر نصری، ۱۳۸۹، «تکوین شخصیت قهرمان در چهار روایت از تذکره‌الاولیاء»؛ فاطمه مدرسی و همکاران، ۱۳۹۲، «تحلیل حکایات تعلیمی تذکره‌الاولیاء بر پایه الگوی روایی گریماس».

### ۳- پیرامون مینی‌مالیسم (Minimalism)

داستان‌های کوتاه و نیز داستانی که فاقد روایت پرحادثه هستند، «مینی‌مالیستی» خوانده می‌شوند. مینی‌مالیسم تداعی‌کننده مفهوم کوتاه بودن و نوعی «کاهش» بوده است. وارن موت، هنری را که بر تقلیل اصرار می‌ورزد و آن را اصل سازنده خود تلقی می‌کند، هنر مینی‌مالیست می‌نامد (۱۹۹۹: ۸).

تعاریف در زمینه مینی‌مالیست بسیار است که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

نویسندگان وازه‌نامه هنر داستان‌نویسی مینی‌مالیسم را معادل فارسی «خردگرایی و حداقل‌گرایی» دانسته‌اند (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۸۹).

این اصطلاح در ادبیات «سبک یا اصل ادبی است که بر پایه فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده‌است. آن‌ها در فشردگی و ایجاز تا آن جا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کم‌ترین و کوتاه‌ترین شکل باقی بماند. به همین دلیل برهنگی واژگانی و کم‌حرفی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این آثار به شمار می‌رود.» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۵).

این که تمام تلاش نهضت مینی‌مالیست‌ها بر آن است که «تا حد امکان توصیف، شرح جزئیات و تفسیر صحنه‌ها را از چهارچوب داستان حذف کند، پاسخی طبیعی به موقعیت و شرایط پیچیده زندگی معاصر است» (شکری، ۱۳۷۶: ۷۹).

یکی از نویسندگان معاصر، ریشه مینی‌مالیسم به عنوان یک ژانر در ادبیات داستانی و هنر نقاشی و دیگر هنرها را در رجوع به آثار بازمانده انسان‌های بدوی، بر دیوار غارها و بدنه و ظروف سفالین می‌داند. زمانی که آهویی را تنها با چند خط ترسیم می‌کردند و خطی اضافه‌تر بر آن نمی‌افزودند. (موحد، ۱۳۷۳: ۱۷۵)

بنابر عقیده یان رید اساس گرایش به نوشتن داستان‌های کوتاه، برای نخستین بار در فرانسه در سال‌های ۳۱-۱۸۲۹ میلادی، بنا شد (رید، ۱۳۸۹: ۳۳).

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، که پسامدرن به تدریج جای مدرن را در تمام شاخه‌های هنر

گرفت، مینی‌مالیسم نیز به عنوان سبکی جدید وارد دنیای هنر شد.

مینیمالیسم که آن را در فارسی خردگرایی ترجمه کرده‌اند (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۷۹) در ادبیات فارسی، پدیده‌ای جدید است. اگر داستان مینیمالیستی به صورت کلی داستانی بسیار کوتاه با پیرنگی ساده شامل تنها یک حادثه یا کانون معنایی و شخصیت‌های محدود و اثری دفعی و واحد تصور شود، آن‌گاه می‌توان داستان مینیمالیستی را حتی در دورترین دوره‌های ادب فارسی نیز نشان داد. اغلب در این موارد به داستان‌های صوفیانه به‌ویژه حکایت‌های مربوط به عرفا و کرامات آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما این داستان‌ها فاقد یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های داستان‌های مینیمال، یعنی رئالیستی بودن است. ماهیت آنچه حکایت‌های صوفیه از آن سخن می‌گویند، یعنی کرامت و کشف و شهود و خارق‌عادت، مغایر با واقعیت تجربی است. واقعیت این است که این داستان‌ها را با تصاویر شگرف و سوررئالیستی‌شان به سختی می‌توان در ردیف آثار مینیمال جای داد. دسته دیگر از آثار کلاسیک فارسی که گاهی آن‌ها را مینیمالیستی نام داده‌اند، حکایت‌های سعدی است (پارسا، ۱۳۸۵: ۱۳). البته عده‌ای این‌گونه داستان‌ها را داستانک نام نهاده‌اند<sup>۱</sup> در صورتی که بین آن‌ها تفاوت وجود دارد.

داستانک عنوانی است برای داستان‌های کم‌حجم؛ ولی مینیمالیسم نوعی سبک نگارش در ادبیات است.

<sup>۱</sup> حسین پاینده معادل «داستانک» را برای این‌گونه داستان کوتاه برگزیده و آن را داستانی با حداکثر دو هزار واژه دانسته است. (ر.ک. پاینده، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

## ۴- پیشینه و عوامل مؤثر در پدید آمدن مینی‌مالیسم

بنای نوشتن داستان‌های کوتاه نخستین بار «در فرانسه در سال‌های ۳۱-۱۸۲۹م» (رید، ۱۳۸۹: ۳۳) صورت گرفت، اما تحولات اساسی در ساختار آن‌ها بعدها، یعنی «در سال ۱۸۴۲» (روزبه، ۱۳۸۸: ۲۸) با معرفی اصولی از سوی ادگار آلن پو (Edgar Allan Poe) بازگو شد و سرانجام با تلاش نویسندگانی چون: آنتوان چخوف (Antoan chekhov) و ارنست همینگوی (Ernest Hemingway) به‌طور رسمی در سال ۱۹۳۳ به عنوان یک نوع ادبی پایدار، وارد واژگان خوانندگان انگلیسی زبان شد و در شمار پُر خواننده‌ترین انواع ادبی مدرن قرار گرفت. (رید، ۱۳۸۹: ۳). در ایران نیز برخی از نویسندگان چون: محمدعلی جمال‌زاده و صادق هدایت به‌دلیل تجربه نمودن زندگی در غرب و آشنایی با فرهنگ و ادب آنان، این نوع ادبی را وارد ادبیات ایران نمودند.

نفوذ شتابزدگی در همه ابعاد زندگی که از دست آورده‌های عصر صنعتی و به شکل گسترده‌تر آن، عصر فراصنعتی محسوب می‌شد، با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه کشاورزی به شدت برخورد کرد و مفاهیم خدا، عدالت، عشق و زیبایی را از نو تعریف نمود و عقاید و نگرش‌ها و تمثیلات ادبی جدید آفرید. (تافلر، ۱۳۷۱: ۱۳۶) و این شتاب در ادبیات، موجبات رواج مینی‌مالیسم را، بعد از جنگ جهانی دوم در قلمرو هنری آمریکا فراهم نمود که بزرگانی چون جان چیور (Jan Chiour)، دونالد بارتلمی (Donald Barthelme) و ریموند کارور (Raymond Carver) از پیشگامان این نوع ادبی در

عرصه در ادبیات داستانی هستند.

جان بارت (Jahan Barth) موارد زیر را برخی از شرایطی می‌داند که منجر به پیدایش

و بروز مینی‌مالیسم گردیده‌است:

- شرایط ملی پس از جنگ ویتنام .
- بحران انرژی که با بحران جنگ ویتنام همزمان بود .
- ساده‌پذیری که توسط سینما و تلویزیون رواج یافته بود .
- نامطلوب بودن سطح دانش مقدماتی و دستور زبان و زبان‌شناسی نویسندگان جوان
- بی‌حوصلگی و عدم تمرکز حواس آدمیان عصر مجلات .
- واکنش در برابر روشنفکر مآبی و انبوه‌نویسی .
- اجتناب‌ناپذیر بودن تأثیرات تبلیغات تجاری-سیاسی آمریکا که با تکنولوژی برتر فضایی برای اصل سادگی به راه انداخته‌بود (۱۳۷۵: ۴۵).
- با بررسی ادبیات کلاسیک ایران به نمونه‌هایی از روایات و داستان‌های ایرانی برمی‌خوریم که ویژگی‌های مینی‌مالیست در آن دیده می‌شود، حکایات عارفانه فارسی از این دسته‌اند.
- نادر ابراهیمی از نویسندگان معاصر، در زمینه قدمت کوتاه‌نویسی در ایران می‌نویسد: «زمانی که داستان‌نویسان بزرگ ما، این مجموعه از داستان‌های عارفانه و صوفیانه را می‌نوشتند (حدود هزار سال پیش) هنوز انگلستان، دارای ادبیات داستانی مکتوب نبود. در اینجا مقصودم داستان کوتاه یا حکایت منثور مکتوب است، نه حماسه رزمی و پهلوانی شفاهی، نه آواز و سرود با معنی، اما کاملاً سطحی.

تنها نسخه قدیمی که از داستان بیوولف، یعنی قدیمی‌ترین منظومه پهلوانی ادبیات دوره انگلوساکسن باقی مانده، مربوط به قرن دهم میلادی است.» (ابراهیمی، ۱۳۷۰: ۷۷). بنابراین می‌توان گفت پدیدآوردگان اصلی مینی مالیسم ایرانیان بوده‌اند و غربیان تنها معرفی‌کنندگان این جنبش بوده‌اند.

### ۵- ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مینی مالیسم

داستان‌های مینی‌مالیست ویژگی‌هایی دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

کم‌حجمی و ایجاز، سادگی پیرنگ، بی‌پیرایگی و سادگی زبان، واقعیت‌گرایی، محدودیت در صحنه‌پردازی، محدودیت شخصیت‌ها، استفاده از واژه‌های اندک و جملات کوتاه، گفتگو، انتخاب تصویر و داستان‌های جذاب. حمید عبداللّه‌یان در این باره می‌گوید:

«کوتاه‌ترین داستان‌ها لااقل باید چند عنصر عمده روایت را داشته باشند. یک داستان بدون شخصیت نمی‌تواند باشد و این شخصیت وقتی معنی پیدا می‌کند که عملی را در توالی اعمال دیگر انجام دهد.

بنابراین سه عنصر شخصیت، عمل و پیرنگ برای هر روایتی ضروری است تا داستان شود. شخصیت بدون مکان و عمل بدون زمان ممکن نیست. بنابراین خواه ناخواه زمان و مکان نیز حضور خواهد داشت.

این عناصر در مختصرترین و موجزترین شکل خود در همه داستان‌ها حضور دارند و نمی‌توان آن‌ها را از داستانی حذف کرد بدون این‌که آن داستان لطمه ببیند.» (عبداللّه‌یان، ۱۳۸۶: ۱۱۴).



## ۶- بررسی مینی‌مالیسم و مؤلفه‌های آن در تذکره‌الاولیاء

### ۶-۱- کم‌حجمی و ایجاز:

بارزترین ویژگی داستان مینی‌مالیسم حجم آن است و همان‌طور که از نامش پیداست روایت کوتاه و موجز را شامل می‌شود. از آن‌جا که «ایجاز در بیان، حرف اول در خلق این قبیل داستان‌هاست.» (گوهرین، ۱۳۸۹: ۹).

خلاصه‌کردن زمان و رویداد و عمل در کوتاه‌تر کردن داستان تأثیر بسیاری دارد. در حکایات تذکره‌الاولیاء توصیفات بسیار کوتاه است. عبدالحسین زرین‌کوب در این‌باره می‌گوید: ایجاز از ویژگی‌های آشکار کتاب تذکره‌الاولیاء است. شاید در سراسر متن آن یک جمله یافت نشود که به اطناب گراییده باشد (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۲۲۵) و اینک نمونه‌هایی از ایجاز در تذکره‌الاولیاء.

بزرگی گفت: «پیش بشر بودم و سرمایی سخت عظیم بود. او را برهنه دیدم که می‌لرزید. گفتم: «یا بانصر! این چه حال است؟». گفت: «درویشان را یاد کردم. مال نداشتم که با ایشان مواسا کنم. به تن موافقت کردم.» (تذکره‌الاولیاء، ۱۹۰۷م: ۱/ ۱۰۹).

در عهد او زنی بود که دو روی داشت. امام شافعی می‌خواست تا او را ببند. به صد دینار او را در عقد آورد و بدید. پس طلاق داد (۱/ ۲۱۲).

نقل است که در جوانی به زنی نگریسته بود. خادم را گفت: «هر که چنان برنگرد، چنین فرونگرد.» (همان، ۱۴۳/ ۲).



اندک است و گاهی با تحوّل شخصیت حکایت پایان می‌یابد.

از دیگر نکات مورد توجه در این اثر وجود کرامت و خرق عادت در برخی از حکایت‌هاست که که معمولاً باعث می‌شود شخصیت داستان دچار تغییر و تحوّل معنوی شود. مانند حکایت زیر:

گفت: یکی در بادیه می‌رفت، بی‌زاد و بی‌آب و بی‌آلت سفر. با خود اندیشه کردم که: «او را به جان هیچ کار نیست؟» روی باز کرد و گفت: «الغیبه حرام». از هوش بشدم. چون به هوش بازآمدم، با خود توبه کردم. روی بازپس کرد و گفت: «وَهُوَ الْآذَى يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ [وَيَعْفُوا عَنْ أَسِيئَاتِهِ].» (همان، ۲/۱۱۳).

### ۶-۳- بی‌پیرایگی و سادگی زبان:

در مینی‌مالیسم به زبان و سبک داستان‌ها توجه ویژه می‌شود. واژه‌ها در نهایت دقت انتخاب می‌شود تا پیچیدگی و ابهام نداشته باشند، بنابراین کوتاهی و اختصار داستان‌های مینی‌مالیسم از ویژگی‌های مهم این نوع ادبی است که به نویسندگان آن‌ها اجازه استفاده از صناعات ادبی را نمی‌دهد، به همین دلیل زبان این داستان‌ها، زبانی بسیار ساده است.

ویلیام چیتیک (William Chittick) درباره سادگی زبان عطار در تذکره‌الاولیاء می‌گوید: زبان شیخ در سراسر کتاب تذکره‌الاولیاء بی‌پیرایه و دور از پیچیدگی‌های لفظی و معنوی است. همین عامل موجب شده که زیبایی کلام افزونی یابد و تأثیر آن در نفوس بیشتر شود. سجع‌گویی‌های آغاز هر بخش - که باید آنها را به‌عنوان براعت استهلال

به‌شمار آورد- شروع هنری و ادبی ویژه‌ای به کتاب بخشیده و موجب تنوع و پویایی متن‌ها شده و گزارش‌ها را زنده نگه داشته‌است. اگر ندرتاً جمله‌ای پیش می‌آید فهم آن برای خواننده دشواریاب می‌شود، این موارد در حد ناچیز است و به فخامت و شورانگیزی آن لطمه‌ای وارد نمی‌کند. (چیتیک، ۱۳۸۸: ۷۲).

نقل است که یکی روز، چهار درم به کسی داد که: «از برای من گلیمی بستان.» گفت: «سیاه یا سفید؟» در حال درم بازستد و در دجله انداخت و گفت: «از گلیم ناخریده تفرقت با دید آمد که: سیاه باید یا سفید؟» (۱/ ۶۸).

نقل است که او سخنی خوش گفتی. روزی هاتقی آواز داد که: «بس سخنی نیکو گفتی، اکنون اگر خاموش باشی نیکوتر.» چنین گویند که دیگر سخن نگفت تا وقت مردن، و خود پس از آن به هفته‌یی بیش نکشید که فرمان یافت (۲/ ۲۶۲).

همان‌طور که در نمونه‌های فوق دیده می‌شود، عطار در داستان‌های مینی‌مالیست خود واژه‌ها را با دقت انتخاب نموده و از کاربرد واژه‌های دشوار و متکلف اجتناب کرده و تلاش وی بر به‌کارگیری ساده، شفاف و رسای زبان بوده‌است.

حتی زمانی هم که از دیگر آثار نقل قول می‌کند «هرگز عنان معانی را به دست الفاظ چموش نسپرده و همانند فنی نویسان لغات دور از ذهن و ترکیبات مهجور نیاورده‌است.» (بهار، ۱۳۷۳: ۸۰). درست است که مینی‌مالیست‌ها مختصر و کوتاه می‌نویسند، اما از واژه‌های مناسب و رسا استفاده می‌کنند، به وجهی که بیشترین معنی و مقصود را به خواننده منتقل کنند.

## ۶-۴- محدودیت در صحنه‌پردازی :

صحنه زمان و مکانی است که داستان در آن اتفاق می‌افتد. حجم کم و کوتاهی داستان‌های مینی‌مالیست سبب می‌شود صحنه‌پردازی محدود باشد. «اغلب داستان‌های مینی‌مالیستی در زمانی کمتر از یک روز، چند ساعت و گاهی چند لحظه اتفاق می‌افتد.» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹) و این موضوع سبب می‌شود که خواننده احساس کند حوادث پیش روی او رخ می‌دهند. همچنین به دلیل ثابت بودن زمینه داستان‌ها و محدودیت زمان، در مکان داستان نیز تغییر بسیار ناچیز رخ می‌دهد. به همین دلیل اغلب یک موقعیت کوتاه از زندگی انتخاب می‌شود.

توجه به صحنه‌پردازی در داستان‌ها مهم است. اما در داستان‌های مینی‌مالیست چون بسیار کوتاه‌اند، اشاره به زمان و مکان بسیار گذرا است. گاهی هم زمان و مکان در اول حکایات و گاهی در میان آن بیان می‌شود. در بررسی حکایت‌های کوتاه تذکره الاولیا، قیود زمانی چون یک روز و روزی، شبی، مدتی، وقتی، یکبار، سحرگاهی، شبانروز، نماز شامی و ... بسیار دیده شد و این بیانگر مبهم بودن بسیاری از زمان‌ها از نظر تاریخی است. نقل است که روزی بر بام صومعه چندان گریسته بود که آب از ناودان روان شده بود و بر شخصی چکیده. گفت: «این آب پاک است یا نه؟». حسن گفت: «نه! بشوی که آب چشم عاصی است.» (۳۰/۱).

نقل است که یک‌بار چند شبانروز در زیر درختی رقص می‌کرد و می‌گفت: «هو!

هو!». گفتند: «این چه حالت است؟». گفت: «این فاخته بر این درخت می‌گوید:



نقل است که روزی بر بام صومعه چندان گریسته بود که آب از ناودان روان شده بود و بر شخصی چکید. گفت: «این آب پاک است یا نه؟». حسن گفت: «نه! بشوی که آب چشم عاصی است.» (۳۰/۱).

گفت: یک بار در بادیه می‌رفتم. غلامی دیدم تروتازه، بی‌زاد و راحله. گفتم: «ای آزاد مرد! بی‌زاد و راحله کجا می‌روی؟» گفت: «چپ و راست نگه کن تا جز خدای تعالی - هیچ بینی؟» (۱۱۷/۲).

چون موضوع برخی از حکایت‌های تذکره‌الاولیاء شرح حوادثی است که در هنگام سفر برای سالکان اتفاق افتاده است؛ بنابراین بادیه محل مناسبی برای شکل‌گیری حوادث است.

(ب) زمان مشخص و محدود است؛ اما مکان مشخص نیست.

احمد خواری گفت: یک روز شیخ جامهٔ سپید پوشیده بود. گفت: کاشکی دل من در میان دلها چون پیراهن من بودی در میان پیراهنها. و شیخ جنید - رحمه الله علیه - گفت که: «احتیاط وی چنان بود که بسیار بود که گفتی: چیزی در دلم آید از نکتهٔ این قوم، به چند روز آن را نپذیرم الا به دو گواه عدل از کتاب و سنت.» (۲۳۶/۱).

نقل است که روزی مرغی بیامد و بر دست شیخ نشست. شیخ فرمود که: «این مرغ چون از من ایمن است بر دست من نشست.» و همچنین روزی آهوئی بیامد و از میان مردم بگذشت تا به خدمت شیخ رسید. شیخ دست مبارک بر سر آهو بمالید و گفت: «قصد ما کرده است.» پس خادم را فرمود تا آهو به صحرا برد و رها کرد (۲۹۶/۲).





زندگی او را به نمایش می‌گذارد (جزینی، ۱۳۷۸: ۷۳). به دلیل اختصار و کم‌حجمی داستان‌های مینی‌مالیستی «در داستان کوتاه اغلب مجالی برای شخصیت‌پردازی نیست.» (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۸۶). همچنین تعداد شخصیت‌ها محدود و انگشت‌شمار می‌باشد. شخصیت‌های داستان‌های مینی‌مال در این اثر متنوعند.

الف) در اغلب حکایات شخصیت‌ها انسان هستند مانند حکایت زیر:

نقل است که احمد را شاگردی مهمان آمد. آن شب کوزه آب پیش او برد. بامداد همچنان پر دید. گفت: «چرا کوزه آب هم چنان پر است؟». گفت: «چه کردم؟». گفت: «طهارت و نماز شب. و الا این علم به چه می‌آموزی؟» (همان، ۱/ ۲۱۷). شخصیت‌های انسانی بر سه گونه‌اند.

۱- شخصیت‌های اثرگذار: که در دیگران دگرگونی ایجاد می‌کنند و تعالی معنوی افراد را سبب می‌شوند.

۲- شخصیت‌های اثرپذیر: این گونه از شخصیت‌ها با مشاهده کرامت یا شنیدن سخن متحول می‌شوند. مانند شخصیت دزد در حکایت دزدی که به خانه احمد خضرویه بلخی رفت (ر.ک. تذکره الاولیاء، ۱/ ۲۹۰-۲۹۱). در این حکایت دزد شخصیت اثرپذیر و احمد خضرویه بلخی شخصیتی اثرگذار است.

۳- شخصیت‌هایی که نه اثرگذارند، نه اثرپذیر و هیچ گونه تغییری در آنها ایجاد نمی‌شود.

ب) گاهی نیز شخصیت‌ها غیرانسانی هستند مانند ابلیس، حوری و پری.

گفت: ابلیس را به خواب دیدم. عصا برگرفتم تا او را بزنم. هاتقی آواز داد که: «او از عصا نترسد، از نوری ترسد که در دل باشد.» گفتم: «بیا!» گفت: «شما را چه کنم؟ که شما انداخته‌اید آنچه من مردمان را بدان می‌فرییم.» گفتم: «آن چیست؟» گفت: «دنیا.» چون از من درگذشت. بازنگرید و گفت: «مرا در شما لطیفه‌یی است که بدان مراد خود بیابم.» گفتم: «آن چیست؟» گفت: «با کودکان نشستن.» (۲ / ۴۱).

نقل است که حوری را به خواب دید. گفت: «یا عتبه! بر تو عاشقم، نگر تا کاری نکنی که میان من و تو فراق افتد.» عتبه گفت: «دنیا را سه طلاق دادم چنان که هرگز بدان رجوع نکنم، تا آنکه که تو را بینم.» (۱ / ۵۸).

#### ۶-۶- استفاده از واژه‌های اندک و جملات کوتاه

نویسندگان داستان‌های کوتاه برای کاستن از حجم داستان‌ها در انتخاب واژه‌ها و سواص به خرج می‌دهند و از جملات کوتاه استفاده می‌کنند. حتی پاراگراف‌هایی که در متن به کار می‌برند کوتاه است.

سوزان ولگا در این باره می‌گوید: «امروز می‌کوشم با زبان مثل یک تکه چوب برخورد کنم. آن قدر آن را پیرایش کنم تا مطمئن شوم که در آن نشانی از ترک‌ها، برجستگی‌ها و زواید، باقی نمانده است. من زبان را به موجه‌ترین شکل ممکن درمی‌آورم» (چاپمن، ۱۳۸۲: ۲۱) در نمونه‌های زیر می‌بینیم که عطار نیز در این اثر برجسته از جملات بسیار کوتاه و واژه‌های اندک استفاده نموده است.

نقل است که یکی از وی پرسید که «چگونه‌ای؟» گفت: «چگونه باشد حال قومی که در دریا باشند و کشتی بشکنند و هر یکی بر تخته‌یی بمانند؟». گفتند: «صعب باشد». گفت: «حال من هم چنین است.» (۴۰/۱).

نقل است که یکی او را دعا کرد که: «آنچه امید داری، خدای بدهد»، گفت: «امید بعد از معرفت بود، و کو معرفت؟» (تذکره الاولیاء، ۱۰۹/۲).

#### ۶-۷- گفتگو (dialogue)

گفتگو از دیگر مؤلفه‌های مهم در داستان‌های مینی‌مالیستی است که «بنیاد تئاتر را پی می‌ریزد؛ اما در داستان نیز یکی از عناصر مهم است، پیرنگ را گسترش می‌دهد و درونمایه را معرفی می‌کند و عمل داستانی را به پیش می‌برد.» (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۴۳۶) نویسندگان مینی‌مال، با استفاده از گفتگوی شخصیت‌های داستان، اطلاعاتی را که خواننده نیاز دارد، وارد داستان می‌کنند و فعل و انفعال انسانی را به نمایش می‌گذارند (رضی و روستا، ۱۳۸۸: ۸۴).

چون در داستان‌های مینی‌مالیستی نویسنده برای توصیف صحنه و شخصیت‌ها زمان ندارد، بنابراین گفتگو در این سبک نقش اساسی دارد و مینی‌مالیست‌ها می‌کوشند برای بیان روایت داستان از گفتگو بهره ببرند تا کوتاه‌ترین بیان را داشته‌باشند.

گفتگو از عناصر مهم در حکایات مینی‌مال تذکره‌الاولیاء محسوب می‌شود که به اشکال گوناگونی به چشم می‌خورد:

الف) گاهی به صورت گفتگوی یک طرفه است: یعنی یکی سخن می‌گوید و

دیگری فقط شنونده است و سکوت اختیار می‌کند.

نقل است که وقتی رابعه، حسن را سه چیز فرستاد: پاره‌ی موم و سوزنی و موی. و گفت: «چون موم عالم را منور می‌دارد و خود می‌سوزد، و چون سوزن برهنه باش و پیوسته کار می‌کنی، چون این هر دو خصلت به جای آوردی چون موی باش تا کارت باطل نشود.» (۱/ ۶۵-۶۶).

ب) گاه گفتگوها دو طرفه است در این گفتگوها گاه انسان با انسان به گفتگو می‌نشیند و گاه با غیر انسان که این غیر انسان یا نفس است. مانند گفتگو در حکایت زیر:

گفت: وقتی در بادیه شدم بی‌زاد، و مرا فاقه رسید. چشم من به منزلی افتاد. شاد شدم. نفس گفت: «سکون یافتم». سوگند خوردم که: در آن منزل فرونیایم. گوری بکنم و در آنجا شدم. آوازی شنیدم که: «ای مردمان در فلان منزل یکی از اولیاء خدای خود را بازداشته است در میان ریگ. او را دریابید». جماعتی بیامدند و مرا برگرفتند و به منزل بردند (۲/ ۴۲).  
و یا ابلیس گفت: «ابلیس به من رسید و گفت: زنهار مغرور مگرداناد تو را صفای اوقات، از بهر آن که در زیر آن است غوامض آفات.» (۲/ ۱۶۷-۱۶۸). که البته در اکثر موارد گفتگو با ابلیس است و گفتگوی با نفس انگشت‌شمار است.

#### ۶-۸- انتخاب تصاویر جذّاب:

از آن‌جا که نویسندگان داستان‌های مینی‌مال، یک لحظه‌ی کوتاه از زندگی را به تصویر

می‌کشند، باید در انتخاب آن تصویر و پیام نهفته در آن، خلّاقیت ویژه‌ای داشته باشند. «این‌گونه داستان‌ها به دلیل نداشتن برخی از عناصر داستان‌های سنتی، حتماً باید قصّه‌ای برای گفتن داشته باشند.» (جزینی ۱۳۷۸: ۳۷) تا خوانندگان به خواندن آن علاقه‌مند شوند. در این داستان‌ها وقایع و حوادث اصلی بیان می‌شود و نیازی نیست این قصّه بسیار خاص باشد؛ بلکه کفایت که احساسات خواننده را تحریک کند و بر او تأثیر بگذارد.

در زیر نمونه‌هایی از تذکره‌الاولیاء آورده می‌شود:

نقل است که گفت: «در بادیه همی شدم. کنیزکی را دیدم در غلبات وجد، شوری در وی، سر برهنه. گفتم: ای کنیزک! سر بپوش. گفت: ای خواص! چشم نگه دار. گفتم: من عاشقم و عاشق چشم نپوشد، اما خود بی‌اختیار چشم بر تو افتاد. کنیزک گفت: من مستم، مست سر نپوشد. گفتم: از کدام شراب‌خانه مست شدی؟ گفت: ای خواص! زنهار دورم می‌داری، هل فی الدّارین غیر اللّه؟ گفتم: ای کنیزک! مصاحبت من خواهی؟ گفت: ای خواص! خام طمعی مکن، که از آن نیم که مرد جویم.» (همان، ۱۴۸/۲).

#### ۷- تفاوت حکایات کوتاه تذکره‌الاولیاء و مینی‌مالیسم

میان حکایات تذکره‌الاولیاء و داستان‌های مینی‌مالیستی شباهت‌ها و اشتراکات فراوانی وجود دارد که برخی از آن‌ها ذکر شد. اما در این بین تفاوت‌های اندکی هم وجود دارد، از جمله:

۱- با توجه به این که داستان‌های مینی‌مالیستی تذکره‌الاولیاء با الفاظی نظیر:



جدول بسامدی ویژگی‌های مینی‌مالیست در تذکره‌الاولیاء

کم حجمی و ایجاز (۱۴/۱۵ درصد)
سادگی پیرنگ (۱۲/۹۰ درصد)
بی‌پیرایگی و سادگی زبان (۱۳/۰۵ درصد)
محدودیت صحنه‌پردازی (۱۴/۱۵ درصد)
محدودیت شخصیت‌ها (۱۳/۴۰ درصد)
استفاده از واژه‌های اندک و جملات کوتاه (۱۳/۶۵ درصد)
گفتگو (۱۱/۵۰ درصد)
انتخاب تصاویر جذاب (۷/۱۵ درصد)

نتیجه

در ادبیات کهن ایران، با نمونه‌های فراوانی خصوصاً حکایات صوفیانه و عارفانه مواجهیم که با داستان‌های مینی‌مالیستی مطابقت دارد.

یکی از این نمونه‌ها تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری است. بررسی حکایات و داستان‌های کوتاه عطار نیشابوری در این اثر بیانگر تطابق بسیاری از این حکایات با مؤلفه‌های سبک مینی‌مالیستی است.





گفتگو از دیگر مؤلفه‌هاست که در این اثر به دو شیوه بروز کرده است: گفتگوی دو طرفه و گفتگوی یک طرفه. همچنین گفتگوها یا با انسان است یا غیر انسان.



### منابع:

۱. ابراهیمی، نادر، صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲. بارت، جان، چند کلمه درباره مینی مالیسم، ترجمه مریم نبوی نژاد، فصلنامه زنده رود، شماره ۱۴، ۱۵، ۱۶، صص ۱۳۷۵.
۳. بهار، محمدتقی، سبک شناسی (دوره ۳ جلدی)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۴. پارسا، سید احمد، مینی مالیسم و ادب پارسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، شماره ۲۰، صص ۲۷-۴۸، ۱۳۸۵.
۵. پاینده، حسین، داستانک و توانایی آن در نقد فرهنگ/دموکراسی و نقد ادبی، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۵.
۶. تافلر، آوین، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: مترجم، ۱۳۷۱.
۷. جزینی، محمدجواد، ریخت شناسی داستان‌های مینی مالیستی، ماهنامه کارنامه، دوره ۱، شماره ۶، ۱۳۷۸.
۸. چاپمن، وندی ماری، «شیوه‌های مینی مالیستی در آثار ریموند کارور و سوزان وگا»، ترجمه پویا قربانی، جشن کتاب، شماره ۳، ۱۳۸۲.
۹. چیتیک، ویلیام، درآمدی به تصوف، ترجمه محمدرضا رجبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۱۰. رضی، احمد و سهیلا روستا، کمینه‌گرایی در داستان نویسی معاصر، مجله متن شناسی

ادب فارسی، دوره ۴۵، شماره ۳، صص ۷۷-۹۰، ۱۳۸۸.

۱۱. روزبه، محمدرضا، ادبیات معاصر ایران (نثر)، تهران: روزگار، ۱۳۸۸.
۱۲. رید، یان، داستان کوتاه، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۸.
۱۴. شکری، فدوی، واقع گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۶ش.
۱۶. عبداللّهیان، حمید، داستان بیت؛ یک قالب داستانی تازه، مجله پژوهش های ادبی، بهار، شماره ۱۵، صص ۱۱۱-۱۲۴، ۱۳۸۶.
۱۷. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم، تذکرة الاولیاء (دو جلدی)، تصحیح رینولد الن نیکلسون، لیدن هلند: مطبعه بریل، ۱۹۰۷م.
۱۸. گوهرین، کاوه، داستان دوستان، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۹.
۱۹. مستور، مصطفی، مبانی داستان کوتاه، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
۲۰. موحد، ضیاء، سعدی، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۳.
۲۱. میرصادقی، جمال و ذوالقدر، میمنت (ذوالقدر)، واژه نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷.
۲۲. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران: نشر سخن، ۱۳۹۰.